بازرسی شد
۳۶ - ۱۲

بازدید شد

کتابخانه
۱۵۵۱
شماره ثبت کتاب
۸۲۷۴
۹۱۸۹
کتاب
مؤلف
موضوع
۵۷۴
۴۷۰۹

اصلی - فهرست شده
۵۷۴۱

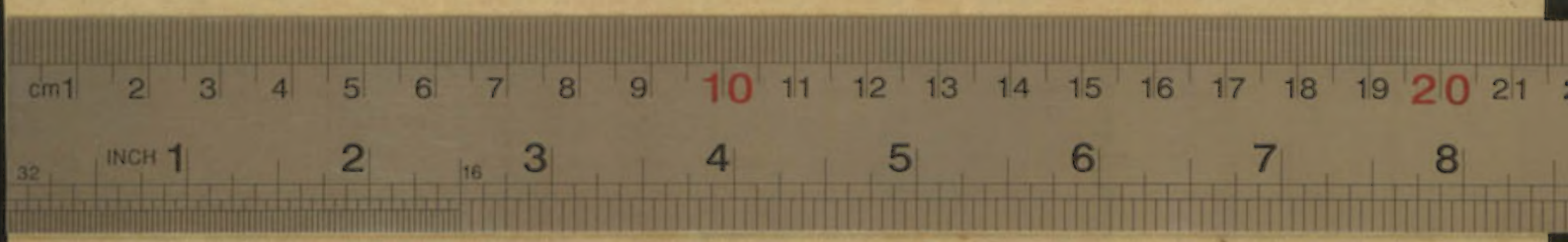
cm 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21
INCH 1 2 3 4 5 6 7 8
32
16

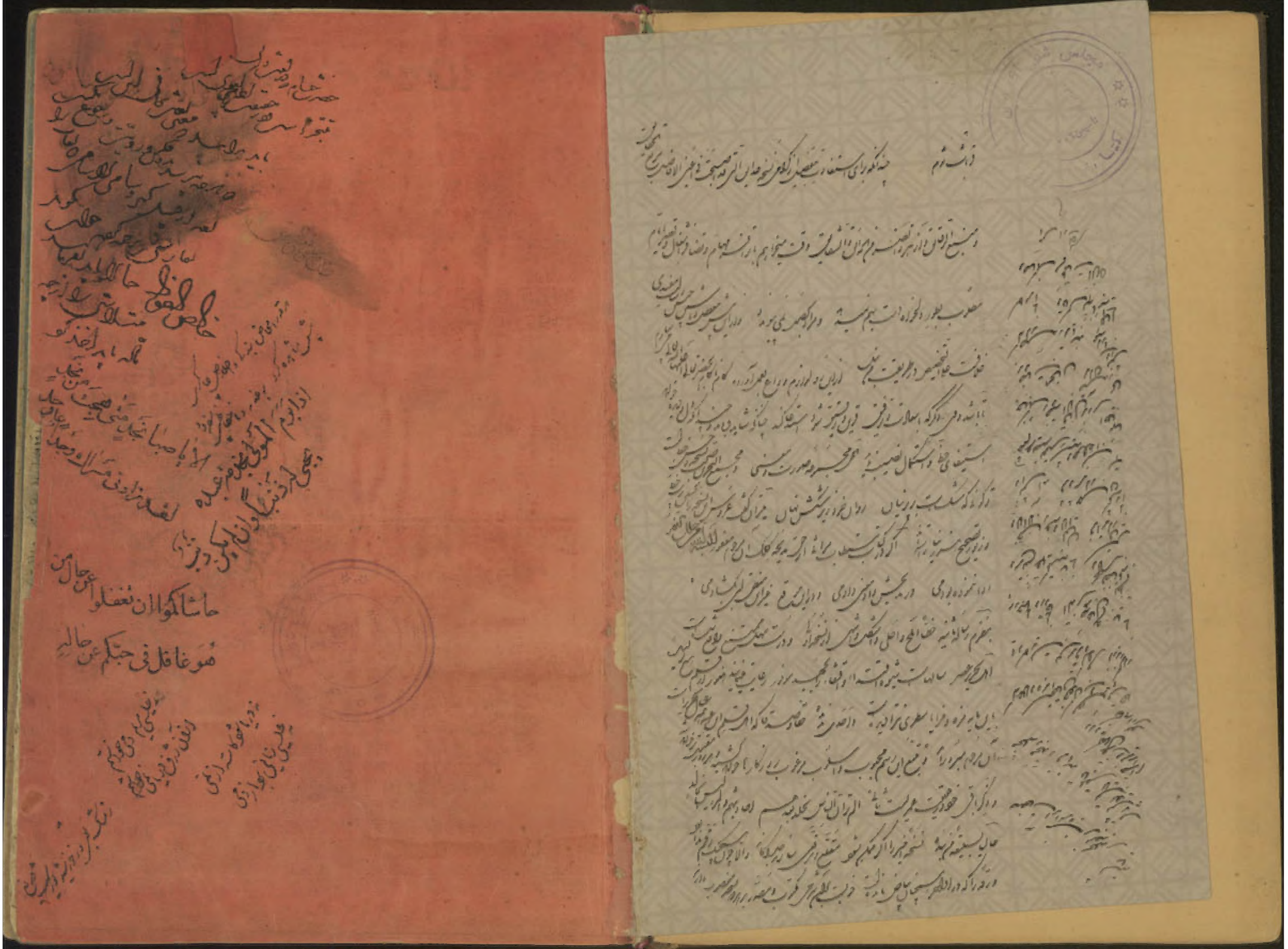

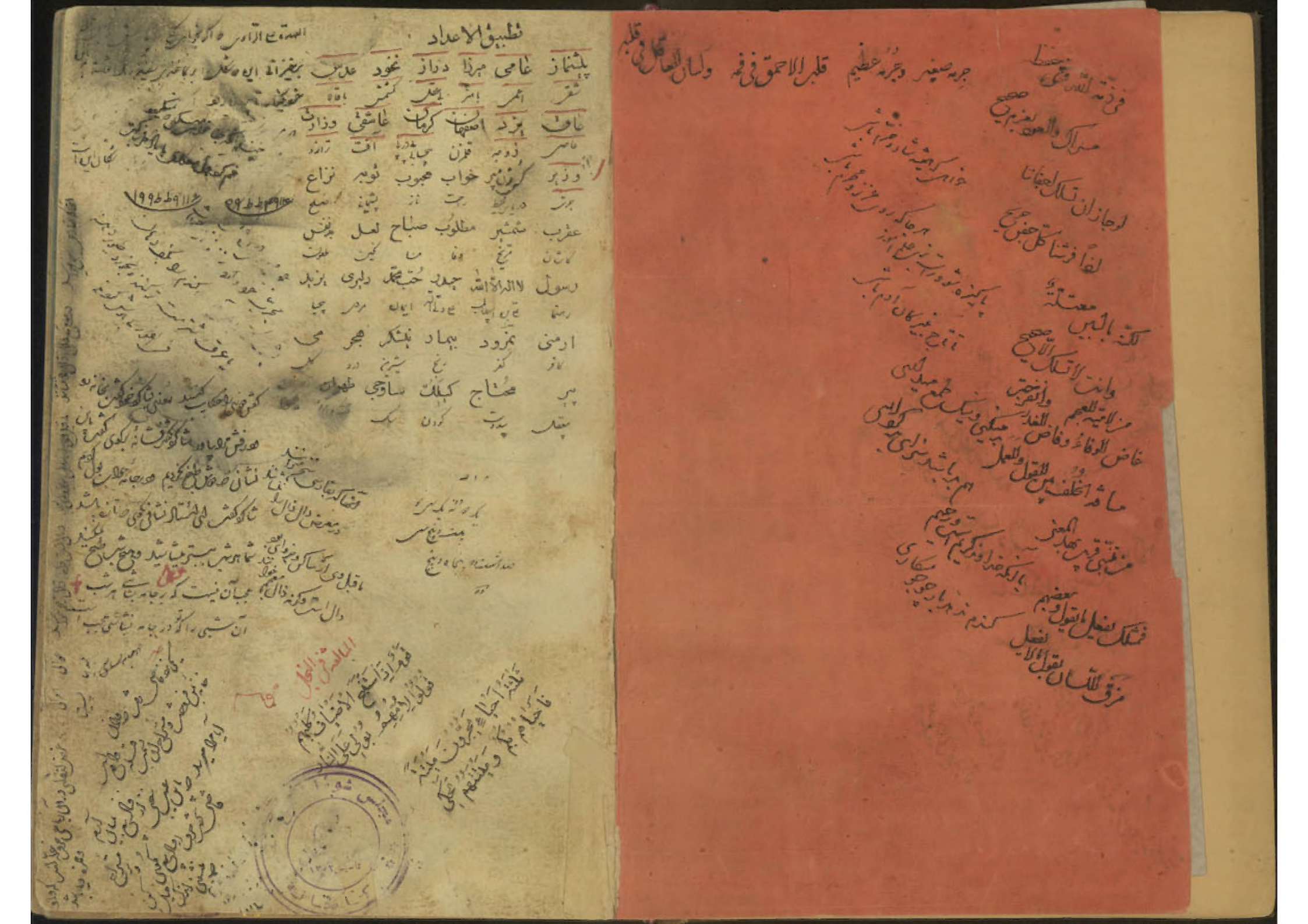

تطبیق الاعداد

پیشنماز	عامی	میرزا	دراز	نخود	عدس
شقی	اعمی	بامنر	بی عقل	کشمش	باقالا
عاق	یزد	اصفهان	کرمان	عاشقی	وزارت
عاصی	زوجه	قلمزن	چسبانیدن	آفت	ترازو
وزیر	کسی زن پیر	خواب	محبوب	توبه	نزاع
جوی	دریای محیط	راحت	ناز	پشیمانی	صلح
عقرب	شمشیر	مطلوب	صباح	لعل	بدنفس
کاشان	مریخ	وفا	مسا	نگین	ملعون
رسول	لا اله الا الله	حیدر	حب محمد	دلبری	یزید
رهنما	علی بن ابیطالب	علی ولی الله	ایمان	مردی	بیحیا
ارمنی	نمرود	بیمار	نیشکر	هجر	می
کافر	کفر	رنج	شیرین	درد	گل
پیر	محتاج	کیلک	ساوجی	طهران	
بیعقل	بیدوست	کودن	سگ		

جرمه صغیر وجرمه عظیم قلب الاحمق فی فمه ولسان العاقل فی قلبه

فی ذمة الله وفی حفظه

مسراک والعود بعزم صحیح

لو جاز ان تسلک اجفانا

اذا فرشنا کل جفن جریح

لکنه بالبین معتلة

وانت لا تسلک الا صحیح

من لامیة للعجم وانفرجت

غاض الوفاء وفاض الغدر

مسافة الخلف بین القول والعمل

من تنبی قریب بهذا المعنی

فمثلک یفعل ما یقول وبعضهم

مزق اللسان بقول ما لا یفعل

المبالغة فی البخل

قوم اذا استنبح الاضیاف کلبهم

قولوا لامهم بولی علی النار

ثلثة احیاء یجرون میتة

فاحیاهم کلبهم ومیتتهم لحمی

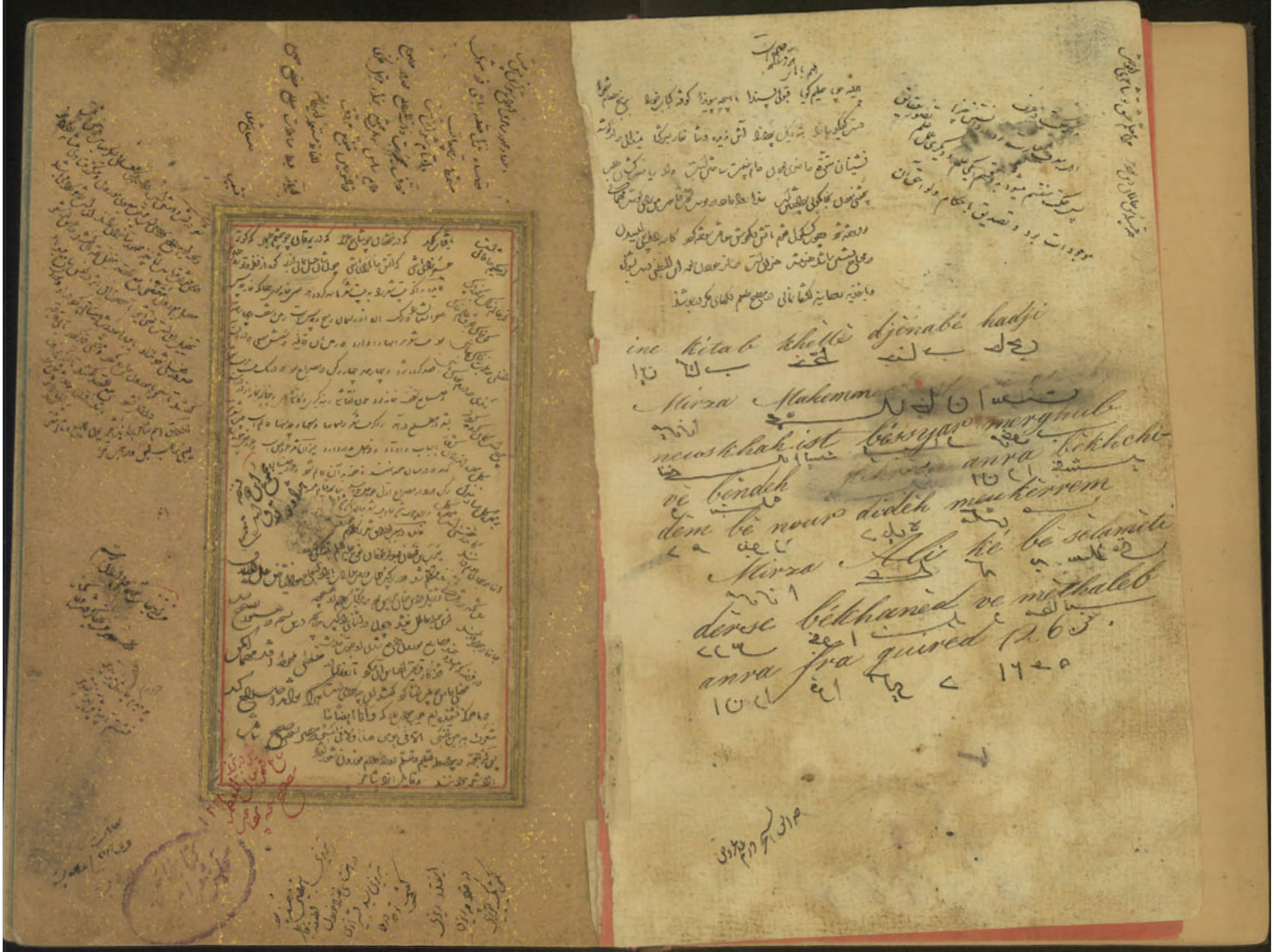

ine kitab khellè djènabé hadji

Mirza Makemm

neuskhah ist bèssyar merghub

vè bèndeh anra bèkhchi-

dèm bè nour dideh meukèrrem

Mirza Ali ké bè sèlamèti

dèrse bèkhaned vè mèthaleb

anra fra quired 1263.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی ما افاض علینا من نعمه المترعة الحیاض ومننه الممرعة الریاض

والصلوة علی خاتم انبیائه واصفیائه محمد وعلی آله الابرار واصحابه الاخیار

چنین گوید مؤلف این کتاب محمد بن عبد الجلیل العمری المعروف بالرشید که روزی

من بنده را خداوند ولی النعم ملک عادل خوارزمشاه مؤید مظفر منصور علاء الدنیا

والدین ابو المظفر اتسز بن محمد معین امیر المؤمنین اعز الله انصاره وضاعف

اقتداره که در ایام دولت او عقود عقل منتظم است و بنای جهل منهدم طلب فرمود

بر موجب فرمان بشتافتم و سعادت خدمت مبارک دریافتم چون بر طرف بساط

عالی که بوسه جای قهارانست و سجده گاه جباران است بایستادم کتابی

در معرفت بدایع شعر پارسی که آنرا ترجمان البلاغه خوانند بمن بنده نمود

چون بنگرستم ابیات شواهد این کتاب را بس ناخوش دیدم همه از راه

تکلف نظم کرده و بطریق تعسف فراهم آورده و با اینهمه از انواع

زلل و اصناف خلل خالی نبود واجب شد بر این بنده که پرورده آن درگاهم

و پدید آورده آن بارگاه در معرفت محاسن نظم و نثر هر دو زبان تازی

و پارسی این کتاب ساختن و این مجموع پرداختن هر چند این جمله که آورده گشت

غیضی است از فیض آنچه پادشاه اسلام را خلد الله ملکه از اقسام فصاحت

و اسالیب بلاغت حاصل است لیکن خدمت اهل فاقه جز بقدر الوسع

والطاقه نتواند بود و اگر در اجل تاخیر شد و روزگار مهلت دهد و تقدیر

یزدانی بر وفق تدبیر انسانی رود کتابی خواهم ساخت محیط بجمله

اصناف علم شعر از عروض و القاب قوافی و محاسن و معایب نظم و نثر

چنانکه ذکر جمیل پادشاه اسلام ثبت الله دولته در جهان مخلد و مؤبد ماند

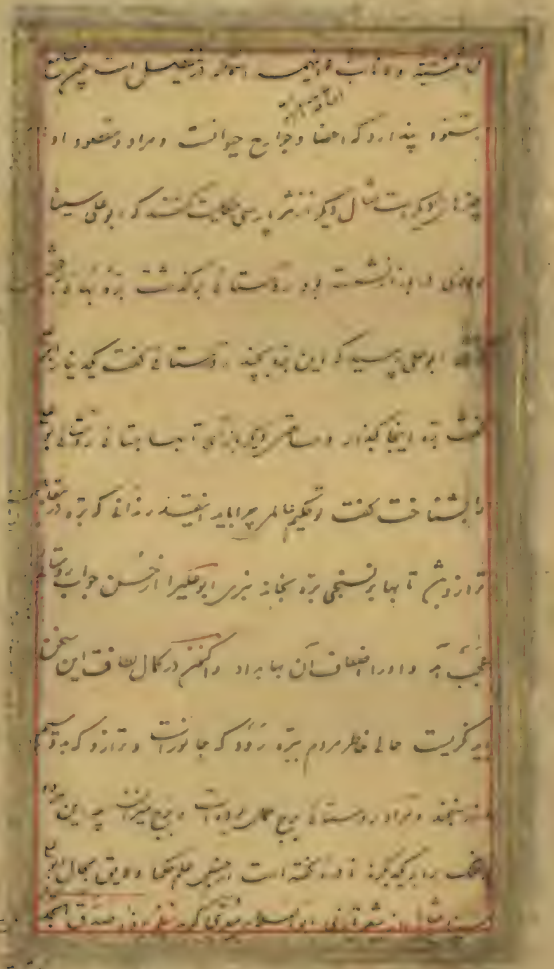

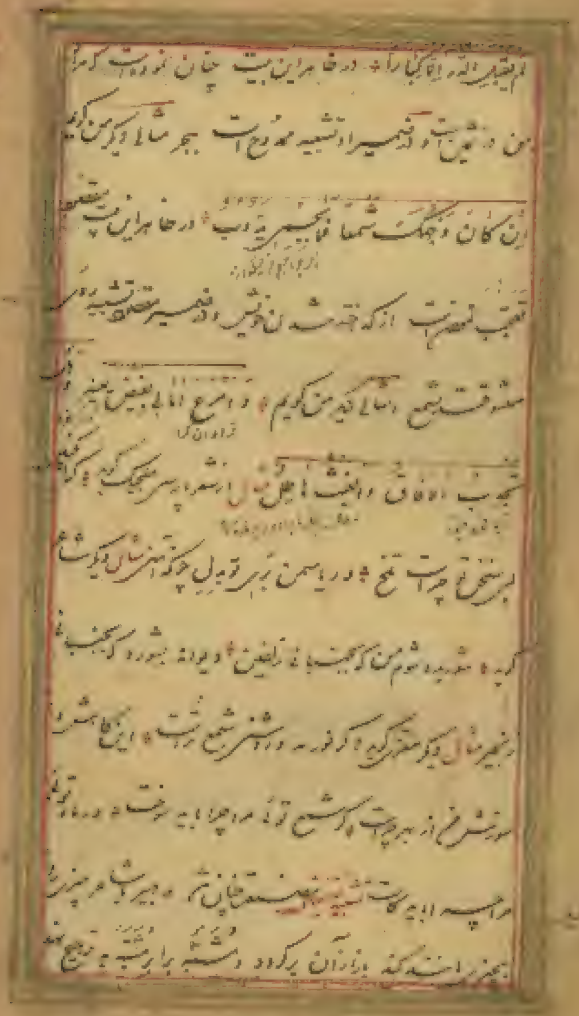

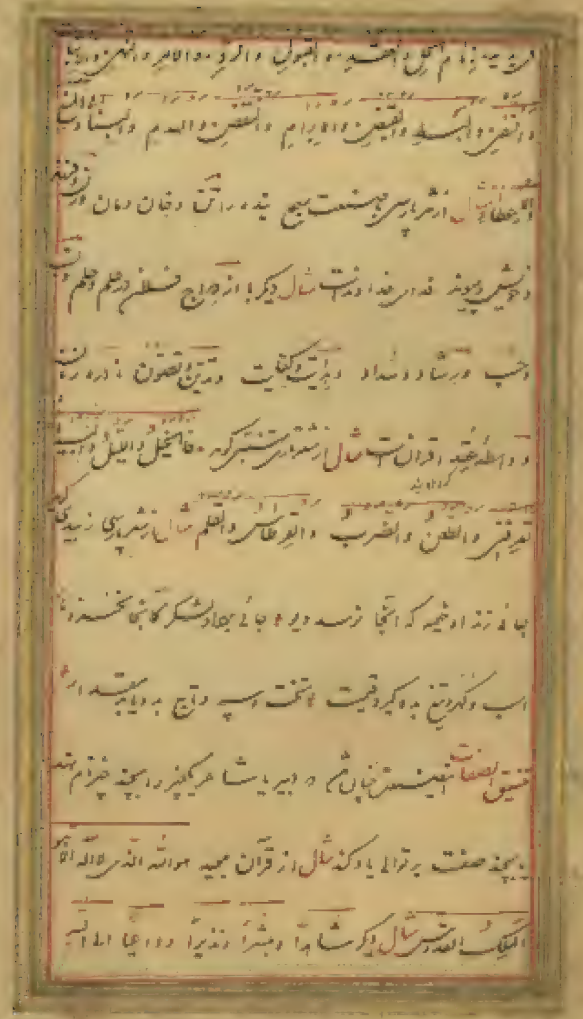

از فرقت ٭ آن دلبر ٭ من دایم ٭ بیمارم

آن دلبر ٭ سرمست و خوش ٭ با دردم ٭ بیدارم

من دایم ٭ با دردم ٭ بی مونس و یار ٭ بیمارم

بیمارم و ٭ بیدارم ٭ با یارم ٭ دغمخوارم

بسط گفتست چنان شیخ که شاعر بیت را بچهار قسم
تمام میکند و خسه سه قسم هیچ فخاندارد و در هر قسم چهار
قافیه میآرد و این شعر را مسمط خوانند و شعر را تخمیس
تربیع و تثلیث و تسدیس و تعشیر و تسبیع و تثمین و تتسیع
و تعشیر آورده است و قول اکثر علما بر تسبیع است و
المربع و الخماسی و السداسی و السباعی و الثمانی و التاسع و العاشر نادر الاستعمال
سودت فیه الصفحا ٭ و کم زل فیه القلم ٭ علی التسبیع الشیخ ٭ کم لیله
اودعتها ٭ یا لیتنی ما اودعتها ٭ فرشته ها ٭ فرقته ها ٭ و ترکتنی ها ٭ فرقته ها

تربیع ٭ و کم عبرات طار ت بالتهنات الهنا ٭ و لم ترقا
و لا ٭ صفقت فیا تعزیتی ٭ فرشته ها ٭ سرمن کرد شهابان ترک
کن جبسه در دیار من ٭ هیزمان نفکن کنم بر بوریا و اطلال و دمنه را
از دلم پرغم کنم ٭ اطلال را جیحون کنم ٭ خاک در گلگر کنم ٭ و از آب چشم
دیشتن ٭ از زر می ماه خرگهر ٭ ایوان هر پرنم تهی ٭ از قند آن شه دهن
خاها همه پرنم چمن ٭ جاها که بود آنجا ٭ از بوستان در بوستان ٭ اشک
گرگ در به راهگان ٭ اشک نزاع و گرگس ٭ اوفتن ٭ بر جای جل ٭ اجام می
گوران نهاد ستنه ٭ بر جای چنگ و نای و نه ٭ آواز نزاع آب و رعد
در داشم و این قسم سبع آنسته زیادت شده الا آنکه مصروف
آرت و پارسیان مسمط را بزعم خود تنزیل کرده و آن چنان است
کی سه مصراع بگویند بر یک قافیه و در آخر مصراع ششم قافیه
همه گویند بر آن شعر بر آن مثال و شعر را هر سه چهری گویند

بسم الله الرحمن الرحیم

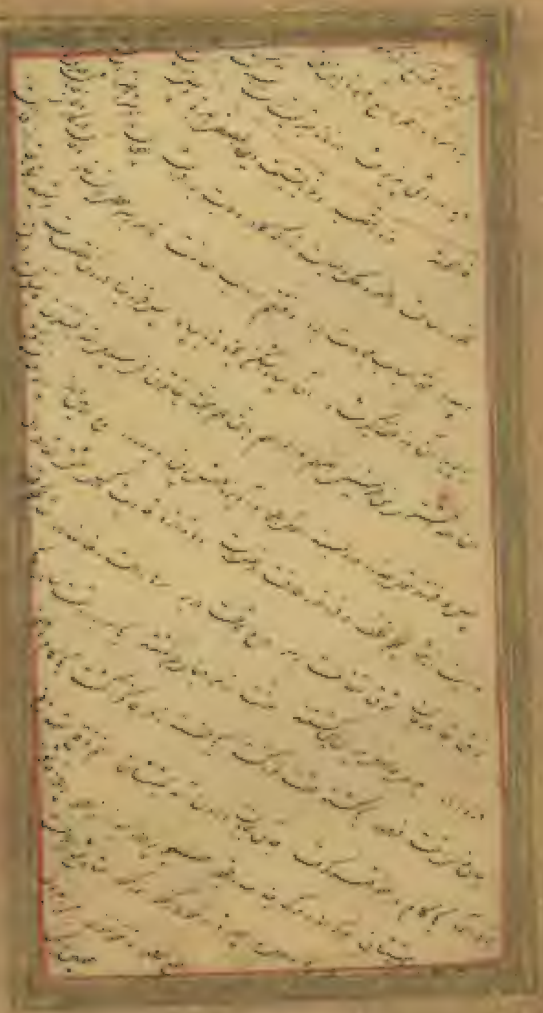

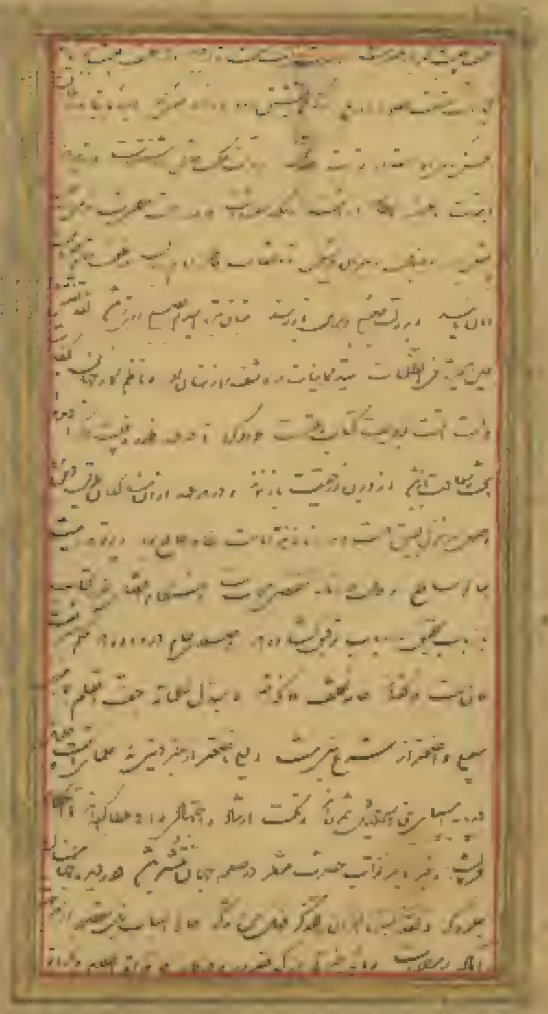

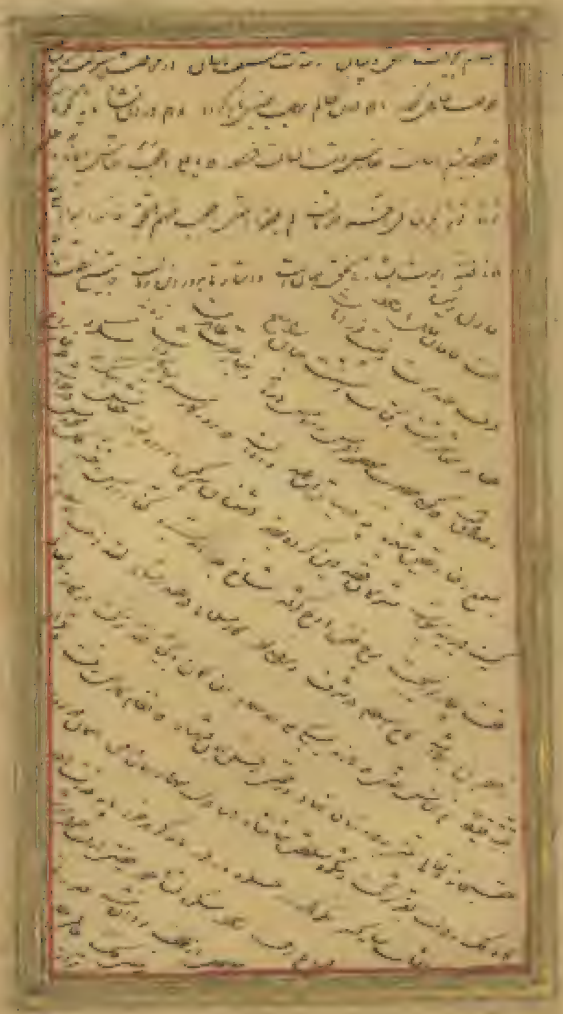

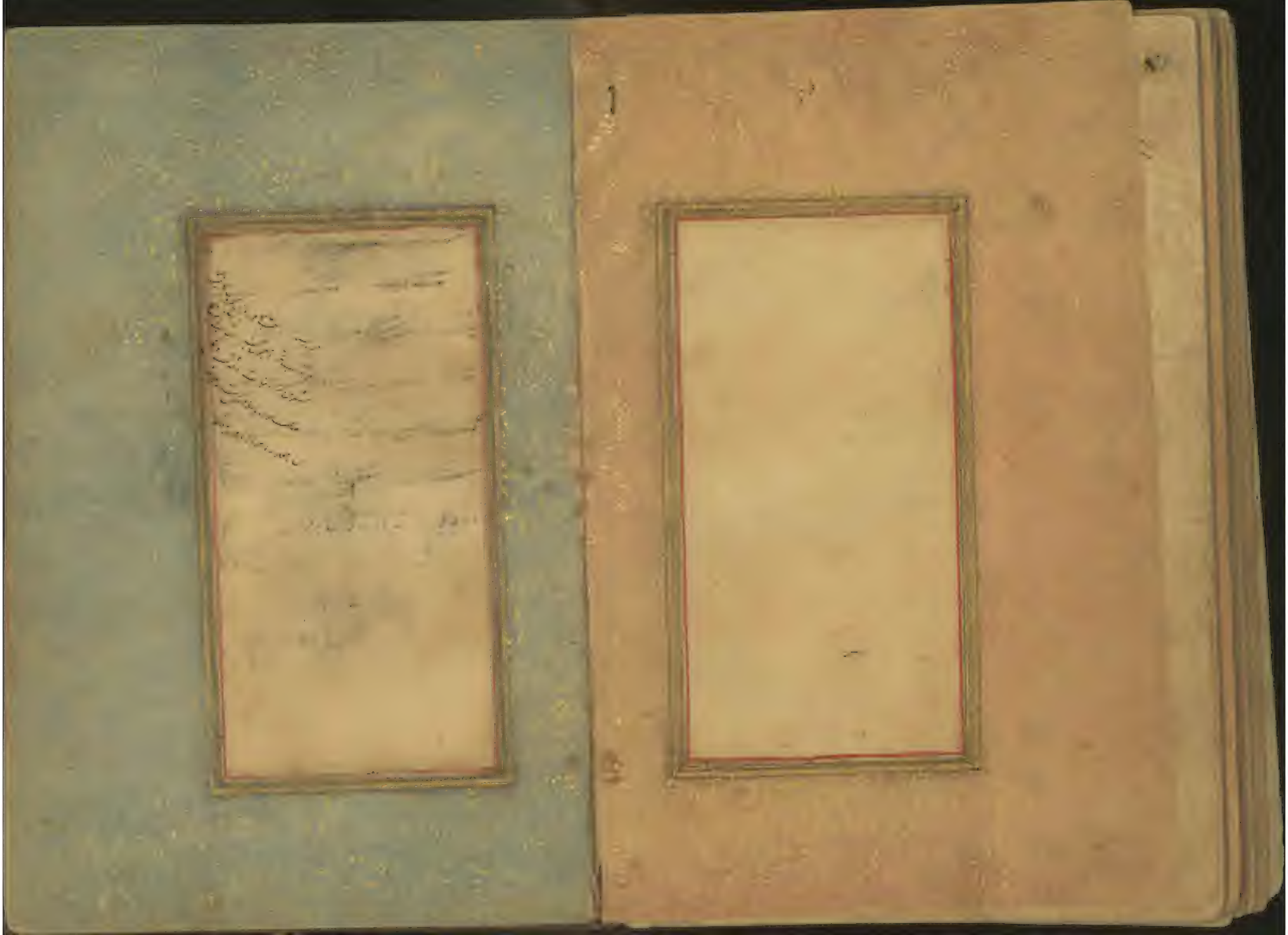

۱۵۵۱